



پژوهشگران عنوان کردند سهم مسائل اقتصادی در کوچک شدن خانواده‌ها طی 40 سال اخیر

بررسی‌های یک مطالعه نشان داد در چهار دهه اخیر اثرگذاری متغیرهای باروری، ازدواج و شهرنشینی بر بُعد خانوار کم‌تر شده و در مقابل، شاخص‌های طلاق، امید به زندگی، تورم اقتصادی و هزینه‌های مسکن تأثیر منفی بیشتری در کاهش بُعد خانوار داشته‌اند.

بررسی‌های یک مطالعه نشان داد در چهار دهه اخیر اثرگذاری متغیرهای باروری، ازدواج و شهرنشینی بر بُعد خانوار کم‌تر شده و در مقابل، شاخص‌های طلاق، امید به زندگی، تورم اقتصادی و هزینه‌های مسکن تأثیر منفی بیشتری در کاهش بُعد خانوار داشته‌اند.

به گزارش ایسنا، «خانوار» به گروهی از افراد گفته می‌شود که در یک اقامتگاه مشترک ساکن هستند و هزینه‌ها، خوراک و دیگر ملزومات زندگی را با هم سهیم می‌شوند و به عنوان یک واحد اساسی و بنیادین در جوامع بشری به شمار می‌آیند. بسیاری از تصمیمات مربوط به فرزندآوری، آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، مصرف، مشارکت نیروی کار، مهاجرت و ... در درجه اول در سطح خانوار اتفاق می‌افتد.

بر همین اساس هرگونه کاهش و یا افزایش در تعداد و میانگین بُعد خانوار، اهمیت زیادی دارد؛ زیرا می‌تواند پیامدهای اقتصادی-اجتماعی متفاوتی را در پی داشته باشد.

بررسی‌ها نشان داده اگرچه دانش جمعیت‌شناسی و مطالعات مرتبط با این حوزه در ایران طی چند دهه اخیر رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است؛ اما جمعیت‌شناسی خانوار و به خصوص تغییرات در بُعد خانوار، خیلی مورد توجه قرار نگرفته است.

با توجه به همین مسئله پژوهشگران با انجام یک مطالعه با رویکرد طولی، تحولاتی که در چهار دهه اخیر در بُعد خانواده در ایران رخ داده است را مورد بررسی قرار دادند و عوامل موثر بر این تغییرات را نیز ارزیابی کردند.

داده‌های اصلی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفتند، داده‌های طرح هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران بود. اطلاعات مربوط به میزان عمومی طلاق و ازدواج، میزان شهرنشینی و میزان اشتغال نیز از داده‌های سازمان ثبت احوال کشور و مرکز آمار ایران استخراج شد. برای شاخص‌های اقتصادی نیز داده‌های بانک مرکزی مورد استفاده قرار گرفت.

در چهار دهه گذشته خانواده‌ها چقدر کوچک‌تر شدند؟

طبق بررسی‌های انجام شده، میانگین بُعد خانوارهای ایرانی در بازه زمانی ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۷، تغییرات متعددی را تجربه کرده است. مقدار این شاخص در ابتدای دوره ۵.۲ نفر بود که در اواخر دهه ۶۰ به ۵.۴ نفر نیز افزایش یافت. عمده این افزایش را می‌توان به افزایش باروری رخ داده در سال‌های پس از وقوع انقلاب اسلامی، مرتبط دانست.

در این مطالعه عنوان شد که میزان باروری در کل دوره، تأثیر مثبتی بر میانگین بُعد خانوار داشته است. این تأثیر در دوره‌های اول روندی افزایشی داشت که عمدتاً به دلیل افزایش باروری مشاهده شده در اوایل انقلاب است. با این حال و با ثبات باروری در یک دهه اخیر، تأثیر این شاخص نیز روندی به نسبت ثابت به خود گرفته است.

تأثیر ازدواج و طلاق در بُعد خانوار

میزان عمومی ازدواج نیز در طول دوره تأثیر مثبتی بر بُعد خانوار داشت. با این حال این تأثیر در سال‌های مختلف ثابت نبوده است و تأثیرگذاری مثبت آن در سال‌های اولیه دارای روندی افزایشی و سپس روندی کاهشی بوده است. دلیل این امر می‌تواند این باشد که در سال‌های اولیه (دهه ۱۳۶۰)، بیشتر افرادی که ازدواج می‌کردند در خانه والدین ساکن می‌شدند و به همراه آنان زندگی می‌کردند که این امر خود بر افزایش بسیار بیشتر بُعد خانوار تأثیرگذار بود. منتها با تغییرات نگرشی که در دهه‌های بعد رخ داد، بیشتر افراد پس از ازدواج در خانوارهای جدا ساکن می‌شوند و لذا از تأثیرگذاری ازدواج بر افزایش بُعد خانوار کاسته شده است.

یافته‌های این مطالعه نشان داد که تأثیر طلاق بر خلاف دو متغیر ازدواج و میزان باروری، منفی است. تأثیر طلاق تا اواسط دهه ۱۳۷۰ رو به کاهش بود اما پس از آن روند افزایشی آن شروع شده و هرچه به پایان دوره نزدیک می‌شویم تأثیر منفی آن بر بُعد

خانوار افزایش می یابد. این مسئله را می توان به دو موضوع مرتبط دانست. نخست این که در سال های آغازین میزان های طلاق کمتر بوده و بنابراین تأثیر آن نیز در مقایسه با دوره های پایانی کمتر است. دوم این که احتمال این که افراد در دوره های اول پس از این که طلاق گرفتند به خانه والدین برگردند، بیشتر بوده است؛ در حالی که این امر امروزه کمتر اتفاق می افتد و معمولاً افراد پس از طلاق در خانوارهای جداگانه باقی می مانند.

مشاهدات دیگر در این تحقیق، حاکی از این بود که تأثیر امید زندگی طی ۲۵ سال گذشته به صورت منفی بوده است. هر چند ضریب تأثیر این شاخص در مقایسه با دیگر شاخص های جمعیتی بسیار اندک است. تأثیر این شاخص در دهه اول بسیار کوچک و نزدیک به صفر بوده است با این حال از اوایل دهه ۷۰ تأثیر منفی آن روند افزایشی به خود گرفته است.

همچنین یافته های این مطالعه حاکی از آن است که در طول بازه زمانی مورد بررسی از میزان تأثیرگذاری متغیرهای باروری، ازدواج و شهرنشینی بر بعد خانوار کاسته شده و در طرف مقابل، تأثیر منفی شاخص های طلاق، امید به زندگی، تورم اقتصادی و هزینه های مسکن رو به افزایش گذاشته شده است.

نقش متغیرهای اقتصادی و هزینه مسکن در کوچک تر شدن خانواده ها

اثرات متغیرهای اقتصادی-اجتماعی بر بعد خانوار نیز اهمیت زیادی دارد. تأثیر شهرنشینی بر بعد خانوار به صورت منفی و معکوس بوده است. نکته مهم در این رابطه نحوه تأثیر گذاری این متغیر در طول زمان بود. یکی از مشخصه های اصلی شهرنشینی، افزایش در تعداد خانه های کوچک تر است و با توجه به اینکه مسکن بزرگ تر هزینه بالاتری دارد، بنابراین خانوارها در شهرها سعی دارند تعداد اعضای خود را کاهش دهند. لذا با افزایش شهرنشینی، طبیعی است که بعد خانوار نیز رو به کاهش بگذارد.

تأثیر هزینه مسکن نیز به عنوان متغیری کلیدی در بعد خانوار و نیز تشکیل یک خانوار جدید شناخته می شود. انتظار می رود هرچه هزینه های اجاره مسکن یا قیمت زمین مسکونی بالاتر باشد، تمایل به تشکیل خانوارهای جدید و خانوارهای با تعداد افراد بیشتر، کاهش یابد.

تأثیر میانگین درآمد خانوار بر بعد خانوار در ایران نشان داد که تأثیر درآمد خانوار در طول سال های مورد مطالعه به صورت منفی است. هرچند روند تأثیرگذاری این متغیر در طول دوره مورد مطالعه در نوسان است، اما تأثیر منفی این شاخص از سال ۱۳۸۵ به بعد روندی افزایشی به خود گرفته است. کارشناسان به این نکته اشاره کرده اند که در طول دوره ۱۳۹۲-۱۳۸۶ هم قدرت خرید خانوارها و هم سطح رفاه اجتماعی آن ها با کاهش روبرو بوده است که این امر می تواند افزایش تأثیر منفی اشاره شده در دوره مورد نظر را تا حدی تبیین کند.

با توجه به نتایج به دست آمده پژوهشگران این مطالعه می گویند: تغییرات در میانگین بعد خانوار منعکس کننده روند تغییرات اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی رخ داده در کشور در طول چند دهه گذشته است. تغییراتی که در این مدت برای شاخص هایی همچون باروری، امید زندگی، شهرنشینی، هزینه های مسکن و تورم اقتصادی و نیز تغییرات فرهنگی همچون افزایش تحصیلات افراد و پایگاه زنان در جامعه رخ داده است، همه این ها را می توان به عنوان بخش کوچک تری از فرآیند جهانی شدن و ارتباط با جامعه جهانی دانست. در واقع تغییرات در ارزش ها و نگرش های نسل های جوان تر که امروزه با رشد ارتباطات و گسترش استفاده از رسانه های جمعی پیش از پیش با دنیای مدرن در ارتباط هستند، می تواند تغییرات در الگوهای سکونت را تسریع بخشد و این امر منجر به کاهش بیشتر بعد خانوار در آینده شود.

پژوهشگران این تحقیق بر اساس یافته های این مطالعه، پیشنهاداتی را ارائه کردند:

- اجرای برنامه هایی که بتواند شکاف تعداد فرزندان ایده آل زوجین و میزان باروری کل را کم تر کند؛
- توجه به سیاست های حامی خانواده برای تسهیل ادغام زندگی شغلی و خانوادگی زنان؛
- توجه به بخش مسکن و هزینه های مرتبط با آن؛
- ساخت مسکن های به اندازه کافی بزرگ و دادن مالکیت آن ها به زوج های جوان تحت شرایط خاص، برای تشویق جوانان به گرفتن سرپرستی خانوار در کنار والدین؛
- بالا بردن امید به زندگی؛

- توجه بیشتر به روند افزایش میزان طلاق.

به گفته پژوهشگران این مطالعه؛ در صورت عدم توجه به این موارد و ادامه این روند، به نظر می رسد کاهش بعد خانوار همچنان ادامه داشته باشد و امری اجتناب ناپذیر به نظر می رسد.

در انجام این تحقیق میلاد بگی؛ استادیار جمعیت شناسی دانشگاه بوعلی سینای همدان و محمدجلال عباسی شوازی؛ استاد جمعیت شناسی دانشگاه تهران و استاد افتخاری دانشگاه ملیبورن، مشارکت داشتند.

یافته های این مطالعه به صورت مقاله علمی با عنوان «عوامل تعیین کننده کاهش بُعد خانوار در ایران طی چهار دهه اخیر» در دو فصل نامه مطالعات جمعیتی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، منتشر شده است.